

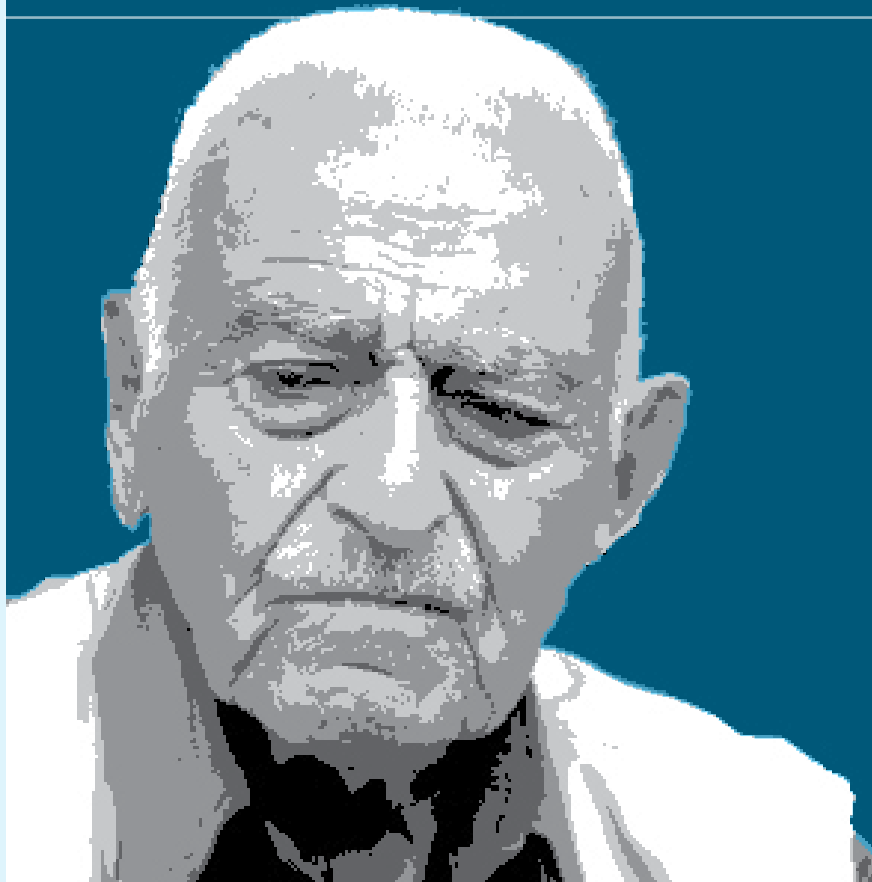
گزارش از مراسم نکوداشت صدسالگه
دکتر منوچهر ستوده ایران شناس و جغرافه دان معاصر

محمد دشتی

سروکهن سال جغرافیای ایران صدساله شد!

اشاره

نکوداشت یاد و نام مردان و زنان بزرگ این سرزمین، قدرشناسی و نیکاندیشی نسبت به همه تلاش‌ها و زحمات طاقت‌فرسایی است که برای ماندگاری و بزرگی نام ایران اسلامی صورت گرفته است. خوشبختانه در دهه‌های اخیر، این سنت حسنه هم در بخش‌های دولتی و هم در بخش‌های غیردولتی و خصوصی به سنتی پیوسته و ارزشمند تبدیل شده است. مجله رشد آموزش جغرافیا نیز تلاش کرده است به‌عنوان کاری پرثمر و تأثیرگذار در پاسداشت یاد و نام اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه که همانا پاسداشت خوبی‌ها و نیکویی‌هاست، همواره یاد و نام بزرگان این حوزه را بر فراز دارد و نسبت به این عزیزان در حد امکان و به‌وسع خود انجام وظیفه و ادای دین کند. اکنون که این نکوداشت‌ها کمابیش در استان‌ها و شهرستان‌های ایران نیز به سنتی پسندیده تبدیل شده است و گاه عزیزان مجری و متولی این مراسم سراغ شیوه‌نامه‌ای معین را برای برگزاری مراسمی در شأن این بزرگان می‌گیرند، در این شماره از مجله رشد آموزش جغرافیا، ضمن احترام به پیشگاه این استاد برجسته ایران شناس و جغرافی دان پیشگسوت، دکتر منوچهر ستوده، گزارش مراسم نکوداشت آن بزرگ‌مرد را حضور خوانندگان عزیز مجله و دیگر علاقه‌مندان تقدیم می‌کنیم. باشد که ما و همگان بتوانیم با برگزاری چنین مراسمی در زمان حیات بزرگان دین



و دانش و علم و عمل، گامی کوچک در تقدیر از این عزیزان برداریم و لبخندی بر لبان مهربان و چهره خسته و زیبایشان بنشانیم.

منوچهر ستوده، متولد ۲۸ تیرماه ۱۲۹۲ در محله عودلاجان تهران، ایران‌شناس، جغرافی‌دان، استاد دانشگاه تهران و پژوهشگر است. وی تاکنون بیش از پنجاه عنوان کتاب و ۲۸۶ مقاله نوشته است. تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، فرهنگ گیلکی، فرهنگ کرمانی، جغرافیای اصفهان، تاریخ گیلان و دیلمستان، فرهنگ نائینی، تاریخ بدخشان و کتاب ده‌جلدی از *آستارا تا استریاد* شامل آثار و بناهای تاریخی گیلان، مازندران و گلستان، برخی از آثار وی به‌شمار می‌روند.

آنچه می‌خوانید گزارش خبرنگار مجله رشد آموزش جغرافیا از مراسم نکوداشت این ایران‌شناس و جغرافی‌دان بزرگ کشور ماست.

نکوداشت مرد قدم و قلم در باغ نگارستان!

باغ نگارستان تهران در روز جمعه ۲۸ تیرماه سال ۱۳۹۲ شاهد مراسم نکوداشت مردی از بزرگان اقلیم جغرافیای ایران بود که نامش با تاریخ ایران معاصر به‌ویژه با تاریخ‌نویسی خطه شمال ایران در کتاب ده‌جلدی از *آستارا تا استریاد*، پیوندی جاودانه یافته بود. دکتر ستوده همچنین در خطه شمال کشور پژوهشی میدانی انجام داده و در مدت ۲۴ سال، تمام این منطقه را دیده و بناهای تاریخی آن را ثبت کرده است.

این مراسم هم‌زمان با صدسالگی دکتر منوچهر ستوده، برای وی از سوی انجمن راهنمایان گردشگری استان تهران در باغ تاریخی نگارستان برگزار شد. همچنین در این مراسم از سردیس برنزی این جغرافی‌دان و ایران‌شناس پیش‌کسوت پرده‌برداری و از کتابی درباره

او با عنوان «سرو کهن سال» رونمایی شد.

تاریخ‌نگاری بزرگداشت یک جغرافی‌دان

عقربه‌های ساعت با تیک‌تاکی آرام، خودشان را به زمان شروع مراسم نکوداشت یکی از بزرگان و جغرافی‌دانان سده اخیر نزدیک می‌کردند. در حوالی میدان بهارستان تهران تک‌وتوک میهمانانی که مترو را برای حضور در این مراسم برگزیده بودند و سراغ خیابان دانش‌سرا را می‌گرفتند، چهره‌ای از روزهای رونق این حوالی در نیم قرن گذشته را به ذهن متبادر می‌کرد.

جغرافیای خاص میدان بهارستان، حوادث تاریخی پیرامون آن، وجود کاخ‌ها و ابنیه تاریخی و حالا باغ نگارستان، روزی تاریخی را برای صفحه جغرافیای ایران رقم می‌زد.

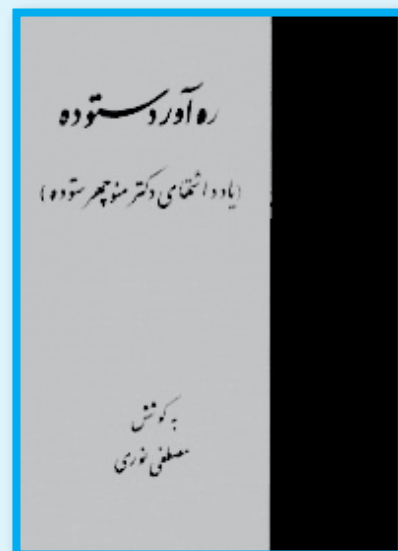
استاد منوچهر ستوده با اتومبیلی که او را به مراسم نکوداشت او آورده بود از راه رسید. درب مشرف به خیابان دانش‌سرا گشوده شد و استاد در میان میهمانان خود فرود آمد و لحظاتی بعد، مراسم نکوداشت این استاد بزرگ و ارزنده کشورمان آغاز شد.

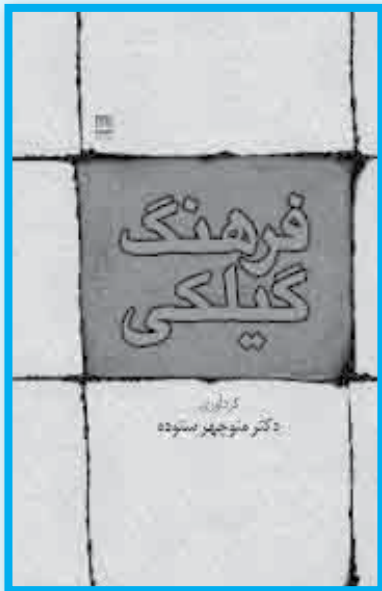
برگزارکنندگان مراسم به نیکویی، فضایی آرام، فرحبخش و شایسته جایگاه و شأن استاد را فراهم آورده بودند و با کاشت نهال صدسالگی ایشان، نام دکتر منوچهر ستوده دوباره با درخت و جنگل و شادابی و سرسبزی گره خورد.

استاد کهن‌سال عصایش را در دستان مردانه‌اش جابه‌جا و قامت خمیده‌اش را تا آنجا که توان داشت راست کرد. نگاهش در افق عنابی نزدیکی‌های غروب همه جمعیت را از نظر گذراند و با لبخندی از عمق وجود به احساسات و شور و تشویق دوستداران خود پاسخ داد. مردی که روزی پیاده یا سوار بر اسب و قاطر تمام قله‌ها، کوه‌ها و کوهپایه‌های صفحات شمالی و دیگر اقلیم جغرافیایی کشورش را زیر پا گذاشته بود به‌سختی از پله‌های سالن مراسم گذشت و جمعیتی انبوه او را همراهی کردند. سالن برگزاری مراسم تنها گنجایش حدود ۱۵۰ نفر را داشت و جمعیت انبوه حاضر که بالغ بر سیصد نفر بودند، نشسته و ایستاده با شور و شوق، مراسم نکوداشت استاد را پی گرفتند. هم‌زمان با برگزاری مراسم، به منظور آشنایی هرچه بیشتر فرهنگ‌دوستان با فعالیت‌های گسترده و سفرهای بی‌شمار استاد منوچهر ستوده که حاصل آن در قالب کتاب منتشر شده است، نمایشگاهی از کتاب‌ها و عکس‌های ایشان نیز برپا شده بود و علاقه‌مندان توانستند با مرور و دقت در این عکس‌ها و آثار مکتوب، صحنه‌های گوناگون هشتاد سال حیات علمی و تجربی استاد را از نظر بگذرانند.

خون است دلم برای ایران!

با تلاوت آیاتی از قرآن کریم و پخش سرود جمهوری اسلامی





ایران، مراسم نکوداشت استاد در سالن مراسم کلید خورد. ابتدا مجری مراسم از پروژه بزرگداشت تلاش‌های ارزشمند استاد جغرافیای ایران در صدسالگی حیات ایشان سخن گفت و در ادامه کلیبی در خصوص فعالیت‌های حدود یک قرن تلاش بی‌وقفه استاد به نمایش درآمد. در بخشی از این کلیپ، آقای ستوده در پاسخ به یک سؤال در خصوص وجود کرسی‌های متعدد ایران‌شناسی در برخی کشورها یا کتاب‌های ایران‌شناسی نوشته شده به دست بیگانگان گفت: «می‌گویند چرا ایران‌شناسی؟ و پرسش درستی است. چرا ما به این اندازه که کتاب و کرسی ایران‌شناسی داریم، مثلاً کتاب ژاپن‌شناسی و آمریکاشناسی نداریم؟ پاسخ روشن است؛ اقلیم و جغرافیای ایران در جهان بی‌همتاست و بسیاری از استعمارگران نقشه می‌کشند تا از موهبت‌های نهفته در این گوهر بهره ببرند. پس برای غارت ایران نیاز به ایران‌شناسی دارند و ما نباید از این مهم غافل شویم!»

در پایان این کلیپ، استاد ستوده، معلم بزرگ، دوباره پای تخته سیاه رفت و مصراع اول شعری را که هفتاد سال قبل در زمان دست‌اندازی روس‌ها و انگلیسی‌ها به میهنش سروده بود، این چنین نگاشت: «خون است دلم برای ایران!»

مراسمی برای نکوداشت کهن‌سال‌ترین جغرافی‌دان معاصر

مراسم با سخنرانی مدیرکل فرهنگی دانشگاه تهران که میزبان این مراسم در باغ نگارستان بود، ادامه پیدا کرد. وی در سخنانی کوتاه تأکید کرد: «ما امروز مفتخریم که توانسته‌ایم در پاسداشت پایمردی و تلاش بی‌وقفه کهن‌سال‌ترین ایران‌شناس بزرگ و جغرافی‌دان نامی ایران قدمی کوچک برداریم و در راستای آموزه‌های دین مقدس اسلام که قدرشناسی و تقدیر از بزرگان را به مثابه نکوداشت خوبی‌ها بر ما لازم دانسته است، این امر مهم را جامعه عمل ببوشانیم. البته قدر و منزلت این بزرگان نزد پروردگار متعال محفوظ است و ان‌شاءالله که پاداش اعمال نیک و خیرخواهانه خود را از پیشگاه باری تعالی دریافت کنند.

در ادامه مراسم، استاد با قرائت متنی از اوضاع نابسامان ادبیات در عصر کنونی سخن گفت و دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های خود را در این خصوص بیان داشت. او تأکید کرد که زبان فارسی یگانه کلید وحدت و حلقه وصل تمام مردم این سرزمین است و باید آن را از آسیب‌های فراوان در مسیر سخت پیش رو حفظ کنیم و مراقب باشیم.

همچنین در نمایشگاهی که در حاشیه مراسم بزرگداشت استاد منوچهر ستوده برپا شده بود، عکس‌هایی از پروژه‌های مختلف نکوداشت شامل رکاب‌زنی و کاشت درخت از آستارا تا استرآباد و صعود به قله‌های مختلف به نمایش درآمد. در همین ارتباط و در اقدامی خودجوش، گروهی از دوچرخه‌سواران به سرپرستی پرویز

شجاعی پارسا، فروردین‌ماه سال جاری، این مسیر را رکاب زدند. در اقدامی دیگر طرح «صد تی شرت، صد امضا» به عنوان یکی دیگر از پروژه‌های نکوداشت منوچهر ستوده به اجرا درآمد. مسئولیت این طرح را مسعود شکرانیا برعهده داشت. این تی شرت‌ها به امضای چهره‌هایی چون شهرام ناظری، قباد شیوا، آیدین آغداشلو، محمدرضا اصلانی، رخشان بنی‌اعتماد، خسرو سینایی، فاطمه معتمدآریا، جمشید مشایخی و... رسیده بودند. تعدادی از این تی شرت‌ها نیز در نمایشگاه جنبی مراسم به نمایش گذاشته شدند.

ستوده، یعنی ستایش شده

با توجه به اینکه قرار است بنیادی با عنوان بنیاد ستوده راه‌اندازی شود، در همین ارتباط آرش نورآقایی، دبیر کانون راهنمایان گردشگری ایران، گفت: آن کسی که لایق ستایش است و قرار است برای صیانت از مفاخر و موارث فرهنگی کشور، یک بنیاد مردم‌نهاد با عنوان «بنیاد ستوده» تشکیل و در آن از کسانی چون منوچهر ستوده و محمود دولت‌آبادی و همه کسانی که در معرفی فرهنگ ایرانی نقش داشته‌اند، تجلیل شود.

او هدف از برگزاری بزرگداشت منوچهر ستوده را معرفی این جغرافی‌دان و ایران‌شناس برجسته به توده مردم دانست و تأکید کرد: «دوست داریم مراسم مربوط به این بزرگان را در حد شأن و مقام آنان برگزار کنیم و تنها به ارائه چند مقاله و سخنرانی اکتفا نکنیم. ما خودمان این برنامه را در قالب یک پروژه کلید زدیم که در گام اول آن به بهانه صدمین سالگرد تولد منوچهر ستوده، دوچرخه‌سواری مسیر آستارا تا استرآباد را رکاب زدند و در گام بعدی، سایت دکتر منوچهر ستوده راه‌اندازی شد. این سایت یک نوع اطلاعاتی درباره این پژوهشگر است که از این به بعد، اطلاعات آن مرتب به‌روز می‌شود.

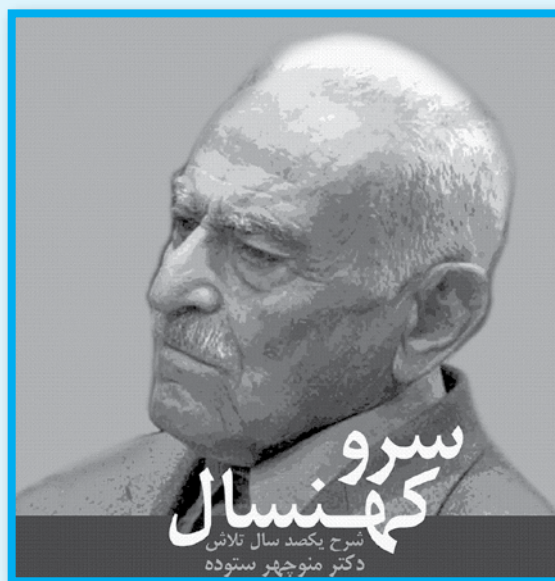
همچنین یک قطعه موسیقی و مجسمه‌ای از منوچهر ستوده ساخته شد. اما این، همه کار نیست؛ آنچه اهمیت دارد این است که مردم باید با کسانی چون ستوده و فعالیت‌هایش آشنا شوند و همین که ما بتوانیم توده مردم و نه مخاطبان خاص را با این افراد آشنا کنیم، رسالت خود را به خوبی انجام داده‌ایم.»

او با ذکر مصداقی از حضور همه اقشار جامعه در بزرگداشت دکتر ستوده، گفت: «بسیار خرسندم که بگویم دختران دانش‌آموز در شهر رشت در مراسمی، بخش‌هایی از کتاب ستوده را برای شهردار خوانده‌اند و به آشنایی با تاریخ منطقه خود افتخار کرده‌اند که این موضوع، اتفاق خوشایندی است و خبر از اتفاقات خوب دیگر در آینده می‌دهد.»

نورآقایی، وظیفه بنیاد ستوده را معرفی شخصیت‌های برجسته برشمرد و افزود: «بیش از هشتاد درصد افراد، ستوده را نمی‌شناسند و به همین دلیل هدف از شکل‌گیری بنیاد ستوده، نه تنها معرفی شخصیت‌های برجسته که معرفی میراث تاریخی و طبیعی ایران زمین به مردم عادی است.» او تأکید کرد: «برای مثال حفاظت از گنبد سلطانیه، تنها وظیفه دولت نیست، بلکه تک‌تک مردم مسئول حفظ و نگهداری میراث فرهنگی خود هستند.» نورآقایی افزود: «با همه تلاش‌هایی که در کانون انجام شد، کانون راهنمایان گردشگری یا فردی خاص، برگزارکننده بزرگداشت دکتر ستوده نیست؛ منوچهر ستوده متعلق به همه کسانی است که ایران را دوست دارند و به آبادانی و پیشرفت روزافزون آن فکر می‌کنند.»

رونمایی از نشان سرو کهن سال در باغ نگارستان

در ادامه مراسم، محمدرضا توسلی، گردآورنده کتاب سرو کهن سال پشت تریبون رفت و درخصوص این کتاب گفت: «خوشحالم که



سرو
کهن سال
شرح یکصد سال تلاش
دکتر منوچهر ستوده

امروز در صدسالگی حیات استاد منوچهر ستوده از ده‌ها سال تلاش این دانشمند نامی هم رونمایی می‌شود و کتاب سرو کهن سال که شرح چندین دهه تلاش دکتر منوچهر ستوده است در دسترس علاقه‌مندان به ایشان قرار می‌گیرد. گفتنی است که در این کتاب، آثاری از استادانی چون زنده‌یاد ابراهیم پورداوود، ایرج افشار، محمد دبیرسیاقی، ابراهیم باستانی‌پاریزی، محمدجعفر یاحقی، عنایت‌الله مجیدی، عبدالرحمن عمادی، فریدون نوزاد، مصطفی فرض‌پور ماجیانی، ابراهیم شکری، ولی جهانی، علی عبدلی، علی رفیعی، افشین پرتو، مؤمن منفرد، آذر جاودان، هوشنگ عباسی و محسن آریاپاد به چاپ رسیده است.

در این جشن‌نامه با نظر استاد دکتر منوچهر ستوده، چند قطعه، مقاله و مقدمه از ایشان به چاپ رسیده است که بخشی از ابعاد فعالیت ایشان را نشان می‌دهد. همچنین از استاد دکتر یاحقی در مقاله‌ای با عنوان «سخن‌های ستوده» خاطرات مشروحی پیرامون دکتر منوچهر ستوده درج شده است.

استاد فریدون نوزاد، از مفاخر و شعرای گیلان، در نوشته‌اش از خاطرات خود و دوستی با دکتر ستوده که از سال ۱۳۳۲ شروع شده و از ارادت دیرینه گیلانیان به دکتر ستوده سخن گفته است.

دکتر ولی جهانی، رئیس باستان‌شناسی گیلان در مقاله مبسوطی کشفیات باستان‌شناسی گیلان مربوط به منطقه آستارا تا هوسم (رودسر) را که بعد از پژوهش‌های دکتر منوچهر ستوده انجام شده، به رشته تحریر درآورده است.

استاد عنایت‌الله مجیدی، از اعضای دائرةالمعارف بزرگ اسلامی در نوشته ۳۵ صفحه‌ای خود، کل کتاب‌ها، تحقیقات و پژوهش‌های دکتر ستوده را از ابتدا تا پایان درج کرده است.

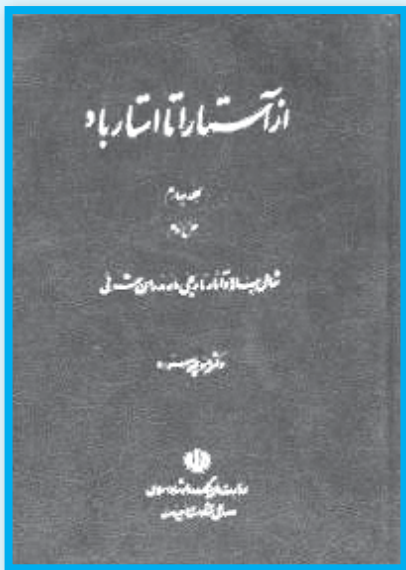
استاد دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، یار دیرینه دکتر ستوده، دو قطعه شعری را که در پکن سروده‌اند برای چاپ ارائه کردند.

شعرای گیلانی، دکتر ابراهیم شکری، استاد محسن آریاپاد و آذر جاودان در توصیف دکتر منوچهر ستوده اشعاری سروده‌اند. در بخشی از کتاب سرو کهن سال، مجموعه‌ای از اشعار دکتر منوچهر ستوده و چندین مقاله از ایشان به چاپ رسیده است.

کتاب سرو کهن سال با ۳۵۲ صفحه و تصاویر متعدد در قطع وزیری و جلد گالینگور به همت محمدرضا توسلی در انتشارات بلور تدوین و منتشر شده است.

یک صدسالگی استاد، کام روزه‌داران را شیرین کرد

مراسم نکوداشت استاد ستوده با رونمایی از کتاب سرو کهن سال ادامه یافت. سپس از سردیس برنزی ایشان، ساخته پیمان آسانلو پرده‌برداری شد. فریدون جنیدی، محمدرضا اصلانی، سودابه فضائی، محمدعلی اینانلو، قباد شیوا، پیمان آسانلو و عده دیگری از بزرگان



رفتند! عشق رفتن و رسیدن، پای سفر به ما بخشیده بود. باز هم آمدیم، راگارا رد کردیم، از یکی از دروازه‌های کاسپین (که شما این نام زیبا را بر آن گذاشته‌اید) بارها و بارها در پی قدم‌های استوار شما از آن رد شدیم! آن سوتر به گردکوه رسیدیم؛ گردکوهی که دامنه آن جولانگاه مردم دلاور این سرزمین و مصاف آنان با بدخواهان این خطه از ایران عزیز بود! هنوز سنگ‌ها و صخره‌های مدوری که بر سر دشمنان این مرز و بوم (که شما عاشق آن هستید) فرو کوفته شده بود، در پای گردکوه به چشم می‌خورد! گفتند استاد آمدند، درنگی داشتند! سنگ‌ها را لمس کردند و رفتند! در پی شما از آنجا به مهرنگارو خیلی جاهای دیگر رفتیم! هر جا که رفتیم رد پای عاشقانه شما بود، اما شما پیشگام و شتابان رفته بودید! دوست داشتیم در یکی از این ایستگاه‌های عاشقی با شما ملاقات کنیم! اما هر جا سراغ شما را گرفتیم، با افسوس، این جمله را از زبان مردم‌آشنای شما و مردم محلی شنیدیم که گفتند: دیر آمدید! استاد پیش پای شما اینجا بودند و رفتند!

حالا از طرف همه این بچه‌ها (که شاگردهای نسل اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم شما هستند) و همه دوستداران شما که در این مجلس، گرد شمع وجودتان در آستانه ورود شما به سده دوم جاودانگی گردآمده‌اند، می‌خواهم از شما خواهش کنم که در صدسالگی درنگ کنید! بایستید! و اجازه دهید به شما نزدیک‌تر شویم! در تمام این مدت، ما ستودن را آموخته‌ایم! اما شما اندکی درنگ کنید تا در این دهه دوم طلایی عمرتان، ما هم به شما برسیم و رمز و راز ستوده شدن را بیاموزیم. زنده باشید!

مجله رشد آموزش جغرافیا امید دارد صدسالگی، پاره نخست زندگی استاد باشد و سال‌های سال او را همچنان شاداب و سرزنده در کنار و در قلب خودمان شاداب و سرزنده داشته باشیم؛ ان شاء الله.

حاضر در مجلس از سردیس استاد پرده‌برداری کردند. ادامه مراسم با بریدن کیک صدسالگی استاد ادامه یافت؛ کیک تولدی که با تصویر «قله برافراشته تا آسمان» دماوند تزیین شده بود و ساعتی بعد در مراسم افطار دهمین روز از ماه مبارک رمضان، کام همه دوستداران استاد را شیرین کرد.

ثبت همه زیبایی‌های این مراسم حتماً نیاز به زمانی فراخ‌تر دارد و از سویی شاید حوصله خواننده را سر ببرد. به همین جهت و برای جلوگیری از اطاله کلام، این گزارش را با سخنان زیبای محمدعلی اینانلو، مسافر همیشه‌آماده و مجری توانمند و مرد دوست‌داشتنی سفر و گذر، که به گمانم حرف دل همه دوستداران استاد بود، به پایان می‌بریم.

استاد، لحظه‌ای درنگ کن!

اینانلو در سخنانی کوتاه اما زیبا گفت: «به من گفته‌اند ده دقیقه صحبت کنم، اما من فقط یک دقیقه و سی ثانیه صحبت خواهم کرد، چون هزار ده دقیقه صحبت هم برای گفتن از دکتر ستوده کافی نیست!

استاد! سرانجام به صد سالگی رسیدید، مبارک باشد! اما قبول کنیم که این صد سال خیلی سریع و زود گذشت! ما در این صد سال بیش از پنجاه سال آن را در پی شما بوده‌ایم و قصد داشته‌ایم با جای پای شما بگذاریم و به شما برسیم، اما نرسیدیم.

بار اول و خیلی پیش‌تر که در پی شما به قلعه رودخان رفتیم، گفتند استاد اینجا بودند اما رفتند! در پی شما به قلعه‌ای دیگر آمدیم، گفتند استاد اینجا بودند، ولی پیش پای شما رفتند! به آشیانه عقاب (قلعه الموت) رفتیم، گفتند استاد اینجا بودند و